

موفق صدیقی

گزینش و شرح
محمد کاظم کاظمی

مکتبہ

سرشناسه	کاظمی، محمدکاظم، ۱۳۴۶ -
عنوان و پدیدآور	مرفع صدرنگ: ۱۰۰ رباعی از بهدل / گزینش و شرح: محمدکاظم کاظمی.
مشخصات نشر	مشهد: سپیده‌هاوران، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۰۱۸۷-۴-۱
یادداشت	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
موضوع	بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق، ۱۰۵۴-۱۱۲۲ ق. -- نقد و تفسیر.
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۲ ق.
موضوع	شعر فارسی -- هند
رده‌بندی کنگره	PIR ۶۶۵۵
نشانه اثر	/ م ۲ ک ۴
رده دیویی	۸ ۱/۵ فا

مرفع صدرنگ
صد رباعی از بهدل
گزینش و شرح: محمدکاظم کاظمی



طرح جلد	پریسا تشکری
صدمه‌آرایی	محمدکاظم کاظمی
چاپ اول	زمستان ۱۳۸۸
شمارگان	۲۲۰۰ نسخه
چاپ	میتاق
صحافی	حافظ
نشانی	مشهد، چهارراه شهدا، خیابان آزادی ۲
	مجمع گنجینه کتاب، کتاب آفتاب
تلفن	۲۲۲۲۲۰۴ - ۲۲۲۸۶۱۳ (۰۵۱۱)
نشانی الکترونیکی	www.abook.ir
پست الکترونیکی	info@abook.ir
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۰۱۸۷-۴-۲
ISBN	978 - 600 - 90187 - 4 - 1
	حق چاپ محفوظ است.

مقدمه

چیده است در این مرقع تحسینی
هر رقعۀ دماغ صد چمن گلچینی
در مکتب شوق، کم کسی دارد یاد
دیوان رباعی‌ای به این رنگینی

و این دیوان رنگین، قریب به چهار هزار رباعی دارد. شاید رباعی سرودن با این کمیت در تاریخ شعر فارسی بی سابقه باشد و با این کیفیت نیز کم سابقه. (می‌گوییم «کم سابقه» و نه «بی سابقه»، چون دیگر نامداران این عرصه را از یاد نبرده‌ام).

من در این مقام از قالب رباعی و پیشینه و سیر تاریخی‌اش سخن نمی‌گویم، که هم مجالش نیست و هم خود را در آن پایه و مایه نمی‌بینم. فقط می‌پردازم به ویژگیهای مهم رباعیهای بیدل و البته به اجمال، تا این مقدمه بر این کتاب لاغر سنگینی نکند و این گمان پیش نیاید که ثبت برگ‌افزایی بر این گل‌صدر برگ داریم. و آن چه برگی باشد که ما بر این گل بیفزاییم.

باری، ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل (۱۰۵۴-۱۱۳۳ ق.) شاعر بزرگ زبان فارسی، اکنون بیشتر به اعتبار غزلهایش شهرت دارد و این تا حدودی

طبیعی است، چون غزل قالبی است پر قابلیت و شاعر ما در این قالب، سنگ تمام نهاده است. ولی باید پذیرفت که اقبال بیشتر به غزلهای بیدل در مقایسه با رباعیهایش به ویژه در جامعه ادبی ایران، دلایل دیگری هم دارد، از جمله چاپ بسیار دیر هنگام رباعیات او در این کشور آنچه از بیدل در سالهای اول انتشارش یعنی اواسط دهه شصت خورشیدی در ایران منتشر شد، غزلیات بود که البته گاهی به اسم «دیوان» هم به چاپ می رسید^۱. حتی آن «کلیات بیدل» مصحح عباسی - بهداروند نیز با وجود نام «کلیات» و اشتغال بر قصاید و مثنویها، رباعیها را در خود نداشت و چنین بود که تا حدود دو دهه بعد از انتشار اولین چاپ از غزلیات، نسخه کاملی از رباعیات بیدل در دسترس نبود.^۲ البته مهجور ماندن نسبی رباعیات بیدل، دلایلی دیگر هم دارد که در اینجا مجال طرحشان نیست.^۳ شاید هم بدین دلایل است که در افغانستان نیز رباعیهای مشهور بیدل فقط همانهاست که شادروان استاد محمد حسین سرآهنگ (۱۳۰۲ - ۱۳۶۱ ش) در بعضی آهنگهایش خوانده و بر سر زبانها

۱. چاپ دیوان بیدل در افغانستان و شبه قاره هند پیشینه‌ای حدود صدساله دارد و کامل‌ترین نسخه موجود از آثار بیدل، در دهه چهل قرن حاضر خورشیدی در کابل چاپ شده است. اما در ایران، ابتدا غزلیات بیدل بر مبنای کلیات چاپ کابل در سال ۱۳۶۴ به کوشش یوسفعلی میرشکاک (با نام مستعار منصور منتظر) چاپ شد. پس از آن نیز غزلیات و بعضی دیگر آثار او در نوبتهای متعدد و به کوشش اشخاص مختلفی چاپ شده که باز غالباً بر مبنای چاپ کابل بوده است.

۲. اولین متن کامل رباعیات بیدل در ایران، در سال ۱۳۸۵ خورشیدی به کوشش اکبر بهداروند چاپ شد. چاپ دیگر آن در سال ۱۳۸۶ به کوشش پرویز عباسی داکانی بود. البته پیش از اینها دو گزیده رباعی خوب و مفید از بیدل منتشر شده بود، یعنی گل چارپرگ گردآورده مهدی الماسی (چاپ اول، ۱۳۷۶) و گزیده رباعیات بیدل دهلوی گردآورده عبدالغفور آرزو (چاپ اول، ۱۳۷۵). اینها به اضافه شاعر آینده‌های دکتر شفیع کدکنی که «رباعی از بیدل را نیز در خود دارد» در آن سالها تنها منبع دستنهایی عموم خوانندگان شعر بیدل در ایران، به رباعیهای او بود.

۳. صلاح‌الدین سلجوقی در فصل رباعیات، کتاب نقد بیدل سخنانی موجز ولی دقیق در این باب دارد.

افکنده است. ولی اینها بسیار نیست، چون او بیشتر غزلخوان بود.^۱

باری، به هر دلیلی، رباعیهای جاندار و حتی گاه خیره کننده بیدل در سایه مانده است و ضرورتی به مطرح ساختن بیشتر آنها احساس می شود؛ به ویژه که رباعی به واسطه ویژگیهای خاص خود، ظرفیتهای کاربردی متفاوتی دارد و در بسیار مقامها به کار می آید که دیگر قالبها نمی آید. این یک موضوع کلی است؛ اما به طور خاص در رباعیات بیدل ویژگیهای دیگری نیز می توان یافت که در غزلیات او به این پررنگی نیست و ما اینک بدانها اشاره می کنیم.

بیدل شاعری است چندبُعدی و شعرش هم بدین واسطه مضامین و معانی گوناگون دارد، از عشق و عرفان بگیرد تا سیاست و اجتماع و از اخلاق و تربیت بگیرد تا هجو و هزل. اما قالب غزل به اعتبار ساختار و سنت دیرینه خود، در آن زمان بیشتر محمل عشق و عرفان بوده است و در مواردی فلسفه و اخلاق. به همین سبب در غزلیات بیدل بیشتر جنبه های درون گرایانه شخصیت او تجلی دارد، نه همه جوانب و ابعاد. با خواندن غزلیات و حتی تعمق در آنها تصویری که از شاعر در نظر ما ترسیم می شود، کامل و دقیق نخواهد بود و بخشی دیگر از این تصویر باید با چراغ دیگر آثار او روشن شود، به ویژه رباعیها. رباعیات بیدل تنوع محتوایی چشمگیری دارد و در اینجا تناسب بیشتری میان مضامین و مفاهیم گوناگون برقرار شده است. شاید بتوان گفت که این دیوان از آثار دیگر رباعی سرایان هم رنگین تر است، چون دست کم ده نوع رباعی در آن می توان یافت:

رباعیات عاشقانه

رباعیات عارفانه

۱. شاید افراق نباشد اگر بگوییم که بسیاری از مردم افغانستان در عصر حاضر، بیدل را با آهنگهای استاد سرآهنگ و دیگر استادان موسیقی سنتی کشور دریافته و شناخته اند، و اینها بیشتر غزل است. مثلاً سرآهنگ در کنار دهها غزل بیدل، فقط در یکی دو آهنگ محلی رباعیهایی از او خوانده است که بعضی از آنها را در کتاب حاضر خواهید دید. (رباعیهای شماره ۱۷، ۴۷، ۵۱، ۵۸، ۶۳، ۶۶ و ۸۶).

رباعیات فلسفی و متأملانه
 رباعیات اجتماعی و سیاسی
 رباعیات تربیتی و اخلاقی
 رباعیات اعتقادی و مذهبی
 رباعیات متضمن مباحث ادبی
 رباعیات هجو و هزل

رباعیات مناسبتی، خیر مقدم‌ها، قید واقعه و ماده تاریخ
 رباعیات تفتنی (بی نقطه، منقوطة و امثال آن).

□

چنان که در متن هم اشاره خواهیم کرد، سیاست و اجتماع در رباعیات بیدل حضوری نسبتاً پررنگ دارد و این در پهنه شهر کهن فارسی کم سابقه است. بیدل در اینجا گاه چهره‌ای معترض و انقلابی از خود نشان می‌دهد که در غزلیات چندان هویدا نیست.

هم چنین در رباعیات بیدل می‌توان به بسیاری از آداب و رسوم، اعتقادات، رفتارهای اجتماعی و طرز زندگی مردم آن روزگار دست یافت. اینجا شاعر بیشتر از دیگر آثارش، خود و جامعه‌اش را می‌نمایاند. این، هم برای ما مردم امروز آموزه‌هایی دارد و هم برای شناخت اجتماع آن روزگار سودمند است.

ولی این جامعه سرشار است از ناراستیها، کج رویها و نابرابریهایی که کمابیش در شعر بیدل نیز انعکاس یافته است و چنین است که گاهی نقدهای تند اجتماعی را در رباعیات او می‌توان یافت. گویا شاعر از عالم حال بدرآمده و وارد عالم قال شده است.

گذشته از ملاحظات و تأملات اجتماعی، بعضی واقعه‌نگاریها و اشاره به رویدادهای سیاسی هم در دیوان رباعی بیدل نمود دارد، نظیر کشته شدن قرق سیر پادشاه گورکانی به دست وزیرانش سادات بارهه که در قالب این رباعی ماده تاریخ دار بازگو شده است:

دیدنی که چه با شاه گرامی کردند
صد جور و جفا از ره خامی کردند
تاریخ چو از خرد بجمستم، فرمود
سادات به وی نمک حرامی کردند^۱

گفتیم که شاعر با رباعیات خویش بیش از غزلیات به اجتماع می‌درآید و نارواییها را بازگو می‌کند. ولی او خود نیز یکی از افراد این جامعه است و هر چند در رعایت اصول اخلاقی فردی است مهذب، در امور اعتقادی همان جزم‌اندیشی و تحمل‌ناپذیری مرسوم در آن عصر را دارد. گویا شاعر ما اینجا از کرسی عرفان و آن هم عرفانی وسیع‌المشرب، پایین آمده و خود را درگیر همان قیل و قال‌هایی ساخته است که در غزلیات از آن دوری می‌جست. او در غزلیات حتی میان کفر و دین فاصله بسیاری قائل نیست، چنان که باری می‌گوید:

غباری نیست از پست و بلند موج، دریا را
حقیقت بی‌نیاز از اختلاف کفر و دین باشد

اما در پاره‌ای از رباعیات نه تنها میان کفر و دین، که میان فرقه‌های مسلمانان نیز فاصله قائل می‌شود و بعضی از آنان را به همان کفری منتسب می‌کند که در غزلیات، هندو و ترسا را نیز بدان منتسب نمی‌ساخت.

این دسته از رباعیات بیدل خود موضوع پژوهشی مفصل است، پژوهشی که هم بر جامعه‌شناسی مذهبی مردم آن زمان و مکان مبتنی باشد و هم بر سرگذشت درگیریهای فرقه‌ای در جامعه اسلامی. در اینجا این قدر می‌توان گفت که بیدل فرزند زمانه خویش است، دوران پس از حکومت‌آورنگ‌زیب که در تعصب مذهبی شهره بود. البته معارضة دایمی شاهان گورکانی و صفوی نیز به این تعصبها می‌افزود. مسلماً تصویری که پیروان فرقه‌های مذهبی آن روزگار از همدیگر داشتند، هیچ‌گاه به شفافیت امروز نبود؛ تصویری بود تیره و تار و گاه

خلاف واقعیت

با این همه نباید احتمال دخل و تصرف دیگران در دیوان بیدل را هم از نظر دور داشت، چنان که علامه صلاح‌الدین سلجوقی در کتاب «نقد بیدل» در مورد این دسته از رباعیات بر این نظر است.^۱ البته نظر استاد سلجوقی، مبتنی بر تعارض میان این تعصُّبها و سلوک معنوی شاعر است، نه دلایل نسخه‌شناسی. به هر حال این موضوع به پژوهشی مستقل و متکی بر نسخه‌های معتبر از دیوان بیدل نیازمند است.

یکی دیگر از مباحثی که در رباعیات بیدل به نسبت غزل‌هایش بیشتر جلوه دارد، نقد و تحلیل اوضاع شعر و ادب در آن زمان و در آن سامان است. او هم دربارهٔ سلوک شعری خویش سخنان ارزشمندی دارد و هم دربارهٔ جایگاه اجتماعی شعر، مقام و موقعیت شاعران و کیفیت بازار شعر در آن روزگار.^۲

□

اما از درونمایه که بگذریم، از نظر صوری نیز رباعیهای بیدل قابل توجه و تأمل است، هم در مقایسه با آثار دیگر رباعی‌سرایان و هم در مقایسه با دیگر سروده‌های این شاعر.

تفاوت مهم رباعیهای بیدل با غزل‌های او، شفافیت و وضوح آنهاست. در غزل، شاعر برای یک مضمون فقط دو مصراع در اختیار دارد و در رباعی چهار مصراع. چنین است که بعضی مضامین که در غزل‌های بیدل با احتمال و یا ابهام بیان شده است، در رباعیها مشروح‌تر است و حتی در مواردی زیباتر. (مثلاً) می‌توان رباعی شماره ۴۹ کتاب حاضر را با بیتی از غزلیات که در ذیل آن آورده‌ایم مقایسه کرد.) شاید هم از این زوی است که دکتر شفیعی کدکنی در کتاب «شاعر آینده‌ها» توصیه کرده‌اند که برای آسان‌تر شدن آشنایی با بیدل از

۱. نقد بیدل، صفحات ۵۱۹ تا ۵۲۱.

۲. ر.ک. رباعیهای ۱۵، ۲۱، ۵۹، ۶۰ و ۸۴ از کتاب حاضر.

رباعیهای او شروع کنیم.^۱

هرچند در مواردی تشابه مضمون میان بعضی رباعیها و بیتهایی از غزلها می‌توان یافت - و این خود برای فهم متقابل اینها یاری‌مان می‌کند - در شماری از رباعیها مفاهیمی مطرح شده و مضامینی پرورده شده است که در آن دیوان غزلیات پر عظمت نمی‌توان یافت. از این گذشته بیدل گاه با یک پدیده واحد، در غزلیات خویش مضمونی عاشقانه یا عرفانی می‌پرورد و در رباعیات، مضمونی اجتماعی (چنان که در رباعی شماره ۶۸ می‌بینیم). این نیز اهمیت و جذابیتی به رباعیها می‌دهد و چنین است که ما با داشتن غزل بیدل، از رباعی او بی‌نیاز نیستیم.

رباعی، وزنی انعطاف‌پذیر دارد و تا ۲۴ صورت مختلف هجاء آرای برایش شمرده‌اند. از این میان بعضی بسیار نزدیک به وزن پایه است و بعضی دور از آن. دیگر رباعی‌سرایان ما بیشتر همین صورتهای معمول و نزدیک به هنجار را برگزیده‌اند، ولی بیدل از این انعطاف‌پذیری بسیار بهره برده است و چنین است که وزن بسیار مصرعها از رباعیهایش به طرزی محسوس با وزن معمول و متعارف «مفعول مفاعیلن مفاعیلن فع» یا «لا حول و لا قوة الا بالله» تفاوت دارد. چنان که در اینجا می‌بینیم:

ای غیر صفات! صورت ذات این است

زنگار مگو، صافی مرآت این است

حق پنهان نیست تا کنی پیدایش

گر مردی، نقی خود کن اثبات این است

این به گمان من به رباعیهای بیدل تمایز و تنوعی دلپذیر داده است.^۲

در سنت و قاعده رباعی‌سرایی ما، غالباً دو مصرع اول مقدمه‌اند؛ مصرع

۱. شاعر آینه‌ها، صفحه ۸۰، مقاله «مصرع: درجه آشنایی با بیدل».

۲. برای مثال ر.ک. رباعیهای شماره ۷، ۱۱، ۲۵، ۳۰، ۴۸، ۸۶ و ۹۱ از کتاب حاضر.

چهارده / مرقع مدرنگ

سوم واسطه است و مصراع چهارم تمام کننده. ولی بیدل در بعضی رباعیهای خویش چهار مصراع موازی و قرینه می سازد و این خالی از لطفی نیست.^۱

در رباعی سرایی فارسی، ذکر تخلص شاعر چندان مرسوم نیست؛ ولی بیدل در بسیار رباعیها تخلص آورده است و آن هم در اولین مصراع. این، کار تازه ای است و چنان که در متن هم اشاره کرده ایم، اثر عاطفی خاصی دارد. از این گونه رباعی در دیوان بیدل بسیار است و در همین گزیده نیز نمونه هایی داریم.^۲

هم چنین می باید اشاره کرد به سرودن رباعیهای تمام ردیف و مستزاد که البته تعدادشان بسیار نیست، ولی به هر حال تنوعی در کار شاعر ایجاد کرده اند.

از نوع تمام ردیف در متن نقل کرده ایم^۳ و این هم یک رباعی مستزاد:

یک چند پی دانش و دفتر گشتیم

از روی حساب

یک چند پی زینت و زیور گشتیم

در عهد شباب

چون واقف از این جهان ابر گشتیم

تقش است بر آب

ترک همه کردیم و قلندر گشتیم

ما را در پاب^۴

به اینها باید افزود بعضی رباعیهای تفننی مثل بی نقطه و بانقطه و ماده تاریخ و معما و امثال اینها را که فاقد ارزش هنری و به قول شادروان استاد خلیل الله خلیلی «مشغولیتهای لمحات بیکاری»^۵ است. البته تعداد این شعرهای تفننی،

۱. ر.ک. رباعیهای شماره ۱۶، ۳۸، ۴۱، ۵۰، ۶۶، ۸۲ و ۹۲ از کتاب حاضر.

۲. ر.ک. رباعیهای شماره ۵، ۱۱، ۶۳، ۶۴، ۸۷، ۸۸، ۹۴، ۹۹ و ۱۰۰ در کتاب حاضر.

۳. رباعی شماره ۸۹

۴. کلیات بیدل، چاپ کابل، جلد ۴، بخش اول، صفحه ۲۱۶.

۵. دیوان خلیل الله خلیلی، بخش قطعه ها، صفحه ۳۵۸.

که باز در قالب رباعی بیشتر است، به نسبت کل آثار بیدل ناچیز است و قابل چشم‌پوشی. از این میان یک رباعی بی‌نقطه را نقل می‌کنیم.

در کارگه عالم اوهام و صور
هر کس سر کرد رسم اطوار دگر
حرص آمد سَد راه گردآور مال
دارد دل طالع گره کار گهر^۱

باید پذیرفت که هیچ‌یک از این شعرهای تفتنی بیدل، با این همه رنجی که شاعر برایشان کشیده، توفیق ماندگاری نیافته است. این را از این روی قابل یادکرد دانستم که امروزه نیز بسیار شاعران، خود را به مشقتهایی می‌اندازند و هنرنمایی می‌کنند که شاید در چشم آیندگان، تفتنی بیهوده بیش نباشد.

□

باری، گزیده حاضر حاصل پیشنهاد دوست سخن‌شناسم عابس قدسی مدیر انتشارات سپیده‌باوران است برای کتابی در سلسله کتابهای صد شعری این انتشارات. دلیل اصلی تقید به عدد صد نیز همین است، هرچند این عدد به تصادف عددی آشنا در شعر بیدل است و در کلام او بسیار دیده می‌شود: «آمدم تا صد چمن بر جلوه نازان بینم»، «طول صد عقبا امل صرف است بر پهنای من»، «صد شمع از این شبستان در خود زد آتش و رفت»، «نشئه صد خم شراب از چشم مست غمزه‌ای»، «هرچه می‌بینم، تپش آماده صد جست و جوست» و...

در ابتدا شرح رباعیها در نظر نبود، ولی به زودی بر آن شدم که با این کار، کتاب را از قالب یک گزیده صرف بدر آورم، تا هم زمینه‌آشنایی بیشتر با شعر بیدل برای مخاطبان عام این کتاب فراهم شود و هم کاری موازی با دیگر گزیده‌های رباعیات بیدل‌نکرده باشم.

من بر آن نیستم که این صد رباعی بهترین رباعیهای بیدل است، چون از طرفی این انتخاب مبتنی بر ذوق و پسند شخصی است و از طرفی کوشیده‌ام که تنوع صوری و محتوایی و نیز قابلیت شرح و توضیح را در نظر داشته باشم. این قدر می‌توانم گفت که در گزینش، از دقت و حوصله و نیز مشورت‌های بعضی دوستان صاحب‌نظر بهره گرفته‌ام.

متن رباعیها را از بخش «رباعیات» در جلد دوم کلیات بیدل چاپ کابل نقل کرده‌ام. ذکر شماره صفحه را ضروری ندانستم، چون در دیوان، آنها به ترتیب حروف الفبا آمده است. بیت‌های شاهد همه از غزلیات بیدل است، مگر این که به نام شاعری دیگر تصریح شده باشد. منبع آنها کلیات چاپ کابل است و شماره صفحه‌ای که در کنار هر بیت آمده است، به این کلیات ارجاع می‌دهد. شاید این مثالها بیش از حد لزوم به نظر آید، ولی من بر آن بوده‌ام که ضمن نقل تکبیت‌هایی زیبا از بیدل، راهی نیز برای فهم بهتر غزلیات او بگشاییم. یعنی به گونه‌ای از رباعی به غزل هم نقب بزنیم.

□

سپاسگزار جناب قدسی هستم که پس از وقفه‌ای که در این دو سال پس از انتشار «گزیده غزلیات بیدل» و «کلید در باز» در ارتباطم با شعر بیدل رخ نموده بود، باری دیگر مرا به این جهان پهناور برگرداند، افزون بر این که در بازخوانی متن کتاب نیز نکات دقیقی را یادآور شد. هم‌چنین وام‌دار محبت سید ابوطالب مظفری هستم که همچون همیشه نوشته‌ام را از نظرش گذرانده‌ام.